

دکتر غلامرضا منتظری

استادیار فرهنگ و تمدن اسلامی

دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

GholamReza-Montazeri@yahoo.com

فرهنگ اسلامی و نهادهای آموزشی در عصر سلجوقیان

چکیده:

با پایمردی و همت طغرل بیک (۴۶۵-۴۵۵ هـ) بنیاد امپراطوری عظیمی نهاده می‌شود و در ادامه، اخلاف او، آلپارسلان (۵۶۶-۴۹۵ هـ ق) و ملکشاه سلجوقی (۴۸۵-۴۶۵ هـ ق) با بهره‌مندی از تجارب وزیر نامدار و باتدبیر خویش خواجه نظام‌الملک طوسی، آرامش و امنیت را بر قلمرو سیاسی و اجتماعی خود حکمفرما نموده و قدرت و عظمت امپراطوری را به اوج خود رسانیدند. روحیه دانش‌دوستی زمامداران و علاقمندی آنان به احداث بناهای عام‌المنفعه، مساجد، رباطها، کتابخانه‌ها، منازل علمی، بیمارستان‌ها، مکتب‌خانه‌ها، حسن تدبیر و کارآمدی وزیران با فرهنگ ایرانی، به ویژه خواجه نظام‌الملک (م ۴۸۵ هـ)، فصل نوینی را در تاریخ فرهنگ اسلامی، به ویژه شکل‌گیری مراکز و مدارس علمی فراهم آورد که این عصر را از ادوار پیشین متمایز نمود و به دوره «نهضت تأسیس مدارس» اشتهار یافت. نهضتی که از بغداد با تأسیس اولین مدرسه نظامیه (۴۵۹ هـ) آغاز شد و دیری نپایید که آثار و برکات آن قلمرو سیاسی و اجتماعی خلافت عباسیان و شرق اسلامی را دربرگرفت و در جریان تبادل فرهنگی به الگو و سرمشقی برای مراکز علمی و دانشگاهی‌های کهن اروپا مبدل گشت. علاوه بر مدارس، دیگر نهادهای آموزشی نظیر: مساجد، کتابخانه‌ها، منازل علما، بیمارستان‌ها، مکتب‌ها نیز نقش موثری را در فرهنگ اسلامی و بسط و گسترش علوم و فنون و تربیت عالمان و فرزنانگان داشته‌اند که در این مقاله به معرفی اجمالی این نهادها و چهره‌های برجسته فرهنگی این عصر مبادرت گردیده است.

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان، فرهنگ اسلامی، نهادهای آموزشی، مدارس، نظامیه.

مقدمه

بنیانگذار سلسله سلجوقی، طغرل بیک ابوطالب رکن‌الدین (۴۲۹-۴۵۵ هـ ق) سرداری شجاع، باایمان، بخشنده و شکیب بود و به ساختن اماکن عام‌المنفعه و عمران و آبادی کشور علاقه فراوانی داشت. او به ساختن مساجد به عنوان مرکزی عبادی و فرهنگی و آموزش‌های دینی توجه ویژه‌ای می‌نمود^۱ و همواره می‌گفت «از خدا شرم دارم که خانه‌ای بنا کنم و در کنارش مسجدی نسازم»^۲ گزارش‌های تاریخی از قلمرو حکومتی طغرل، حاکی از آن است که در شکل‌گیری و بسط و گسترش مراکز علمی و فرهنگی، به ویژه مساجد و مدارس تلاش زیادی داشته است و وزیر با تدبیرش ابونصر محمدبن‌کندری (م ۴۵۶ هـ ق) در این تحولات نقش‌آفرین بوده است. طغرل در حالی که بزرگترین امپراتوری را در تاریخ اسلامی ایران بنیاد نهاده بود، در دارالملک خود، ری، چشم از جهان فرو بست.^۳

پس از طغرل، آلپ‌ارسلان (۴۶۵-۴۵۵ هـ ق) زمام امور را در آن قلمرو وسیع بدست گرفت و به مدد وزیر باتدبیر خود خواجه نظام‌الملک طوسی، قدرت و قلمرو امپراتوری سلجوقی را فزونی بخشید.^۴ نوع نگاه و رویکرد خواجه به امور علمی و فرهنگی، به ویژه تأسیس مدارس نظامیه، به این دوره ویژگی خاصی بخشید و به لحاظ علمی و آموزشی آن را از دیگر ادوار متمایز نمود. به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران، این دوره ده‌ساله را «طلیعه تأسیس مدارس نظامیه و سرآغاز نهضت‌پیدایی مدارس از شرق اسلام و رواج علوم و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی در آسیای صغیر» قلمداد نموده‌اند.^۵ تحولی که باید ریشه‌های آن را از یک سوی در دانش‌دوستی زمامدار و حمایت وی از عالمان و دانشمندان و از سوی دیگر در تدبیر وزیر با کفایتش جستجو نمود. و به قول معزی امیرالشعراء دولت:

تو آن خجسته وزیری که از کفایت تو کشید دولت سلجوق سر‌بعلین
تو آن ستوده مشیری که در فتوح و ظفر شده‌است کلک تو با تیغ شهریار قرین^۶

با اتمام دوران زمامداری آلپ‌ارسلان، جلال‌الدین ملک‌شاه (۴۸۵-۴۶۵ هـ ق) که موافقت پدر را به همراه داشت، زمام امور را به دست گرفت. و خواجه نظام‌الملک نیز بسان دوره پیشین، حمایت و همراهی شاهزاده جوان را در دستور کار خود قرار داد و دیری نپایید که امراء، سرکردگان و دیگر مدعیان را به فرمانبرداری از امیر واداشت و دولت سلجوقی را به اوج شکوه و عظمت و بسط خود رسانید.^۷ و چنان امنیتی برقرار شد که گفته‌اند: «کاروانیان فاصله

ماوراءالنهر تا شام را بدون نگهبان می‌پیمودند».^۸ ملکشاه نیز مردی خیراندیش و نیک‌سیرت بود، به عمران و آبادی کشور و تأسیس اماکن عام‌المنفعه اهتمامی ویژه داشت و برای ساختن مراکز فرهنگی، نظیر مساجد و مدارس و کاروانسراها، اموال فراوانی را اختصاص می‌داد. اسناد و اوراق عبرت‌آموز تاریخ نیز گواه آن است که رشد و تحول در عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی رخ نخواهد داد مگر آنکه تدبیر امور در دست افراد با کفایت باشد و شایسته‌سالاری در قول و عمل سرلوحه کار زمامداران قرارگیرد.

اما دیری نپائید که روح همبستگی و وحدت و عظمت پدیدآمده در قلمرو سلجوقیان، پس از افول ستاره عمر ملکشاه و خواجه نظام‌الملک، به دلیل بروز جنگ‌های داخلی میان وارثان تاج و تخت، به ضعف و سستی مبدل گردید و به تدریج مقدمات رکود قدرت سیاسی و اجتماعی سلجوقیان و انحطاط آنان فراهم آمد.

با وجود این فراز و نشیب، دوره زمامداری و فرمانروایی آل سلجوقی را بر بلاد اسلامی از جهات مختلف فرهنگی و اجتماعی، علمی و ادبی، ظهور چهره‌های علمی و توسعه مراکز و مراجع فرهنگی، می‌توان یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخی ایران محسوب نمود.^۹ چنانکه از این عصر با عناوینی نظیر دوره وفور علما و ادبا، کثرت تألیف و تصنیف^{۱۰}، دوره رشد و توسعه زبان و ادبیات فارسی و تازی^{۱۱}، و عصر گسترش و توسعه مدارس و کتابخانه‌ها، یاد شده است. راوندی نیز همت آل سلجوقی را در بسط امور فرهنگی و دینی، کم‌نظیر توصیف نموده و می‌نویسد:

«چندان خیرات که در دولت سلاطین آل سلجوق و ایام همایون ایشان ظاهر شد از احیای معالم دین و تشیید قواعد و مسلمانی و بنای مساجد و انشاء مدارس و رباطات و اوقاف بر علما و سادات و زهاد و ابرار در هیچ روزگار نبود و آثار آن در ممالک اسلام ظاهر است».^{۱۲}

البته در این رویکرد، ابتکار عمل ترکان سلجوقی در بهره‌گیری از تجارب دبیران و دیوانیان ایرانی آشنا به امور کشورداری، نظیر عبدالملک کندی، وزیر طغرل و نظام‌الملک طوسی، وزیر مقتدر آلپارسلان و ملکشاه، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. چنانکه چغری‌بک داود، برادر طغرل سلجوقی و حاکم بلخ و مرو، به هنگام مرگ (۴۲۵ هـ ق) دست دبیر با کفایت خود خواجه نظام‌الملک را در دست پسر و جانشین خود آلپارسلان نهاد و گفت:

«این حسن طوسی است، او را محترم و به منزله پدر می‌داری و بر خلاف رای او عمل نمی‌کنی.»^{۱۳}

فرهنگ اسلامی و نهادهای آموزشی

آموزش، فعالیتی است اجتماعی که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای پدید می‌آورد که در این مقاله به معرفی اجمالی مهمترین نهادهای آموزشی و چهره‌های تأثیرگذار در بستر فرهنگ اسلامی دوره سلجوقیان، به ویژه در قرن پنجم / یازدهم میلادی مبادرت خواهد شد.

۱- مساجد

پس از ظهور نهضت اسلام و بعثت نبوی (ص) و سالهای آغازین خلافت خلفای راشدین تا قرن دوم و سوم هجری، مهمترین مرکز تجمع و تعلیم و تربیت مسلمانان، «مسجد» بود که از آن به عنوان نخستین دانشگاه اسلامی یاد شده است. این روند تا سده‌های پنجم و ششم هجری با فراز و نشیب در قلمرو دولت‌های اسلامی، به ویژه سلجوقیان استمرار یافت که از آن میان می‌توان به مساجد نیشابور، مرو، بلخ، بخارا، غزنین، اصفهان و بغداد اشاره نمود. این پایگاه علمی و معنوی در فرهنگ و رشد و تعالی جوامع اسلامی منزلت و جایگاه ویژه‌ای داشته و با کارکردهای مختلف معنوی، آموزشی و اجتماعی در عرصه‌های تعلیم و تربیت نقش آفرین بوده است. در این مساجد، علاوه بر آموزش‌های عمومی (قرآن و احکام)، حلقات دروس تخصصی در حوزه‌های فقه، حدیث و تفسیر شکل می‌گرفت و مدرسان و محدثان و مفسران بزرگ به تدریس مبادرت می‌نمودند. چنانکه شیخ ابومحمد عبدالله الجوینی پدر امام-الحرمین جوینی (م ۴۳۸ هـ ق) در مسجد نیشابور مجلس درس و مناظره و تعلیم خاص داشت.^{۱۴} برخی از مساجد این دوره به جهت برخورداری از کتب و گنجینه‌های علمی نفیس، قلمرو نگاه بسیاری از علاقمندان را بخود معطوف می‌نمود. نظیر «مسجد جامع منیعی نیشابور و مسجد عقیل که کتابخانه معتبری داشتند.»^{۱۵} و دانشمندانی نظیر اسعدبن مسعودالعربی نیشابوری در آن مجلس املاء و تدریس داشت.^{۱۶} از دیگر مساجد فعال این دوره در امر آموزش، می‌توان به مسجد مطرز نیشابور، جامع دمشق و مساجد جامع حلب و همدان یاد کرد.^{۱۷}

۲- مکتب

مکتب در زمره نخستین مکان‌هایی است که برای آموزش قرآن و آموزه‌های دینی و تعلیم الفبا در حد مقدماتی و ابتدائی پدید آمد و بر حسب نیاز و مقتضیات زمان در مکان‌های مختلف از جمله مساجد، منازل، دکان‌ها و در جوار مدارس شکل می‌گرفت که عمدتاً به کودکان پنج تا شش ساله اختصاص می‌یافت و دوره تحصیل آنان تا سن بلوغ استمرار می‌یافت.^{۱۸} و در حقیقت برخی از این مکاتب، داوطلبان را برای ورود به مراحل بعدی تعلیم و تربیت یعنی مدارس آماده می‌کردند. غزالی که خود از اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت در این دوره است، در باب پنجم از نصیحه‌الملوک از ضرورت وجود مکتب در جهت تحقق اهداف تعلیم و تربیت سخن به میان آورده و می‌گوید:

«نخست خانه است، سپس مکتب و برنامه مکتب (برای کودکان) باید عبارت باشد از خواندن و نوشتن، قرآن، اخبار و تاریخ، حکایات پارسایان، سیرت صحابه، اخلاق و ادب و ...»^{۱۹}

از آنجا که مکتب، نقش کاربردی و اهمیت دیگر مراکز فرهنگی و آموزشی نظیر مساجد و مدارس را نداشته و روزگار کوتاهی از عمر افراد در آن سپری می‌شده است، لذا در منابع و مآخذ کمتر از مکاتب، به طور مستقل سخن به میان آمده، بلکه بیشتر در شرح حال رجال و مراحل تحصیلی آنان ذکر گردیده است. در شرح حال خواجه نظام‌الملک آمده است «خواجه پس از رسیدن به سن تعلیم به مکتب رفت و به تحصیل علوم و آداب رایج زمان خود اشتغال ورزید».

۳- مدارس

در تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت اسلامی، از آغاز تا قرن چهارم هجری قمری، باید از مساجد به عنوان مهمترین مراکز و نهادهای علمی و آموزشی در جهان اسلام یاد نمود که در ارتقاء طراز فکری و فرهنگی و تقویت بعد معنوی مسلمانان نقش اساسی و موثری را ایفا می‌نمودند. اما از قرن چهارم به بعد، به دلایل مختلف از جمله کثرت داوطلبان، تعدد و تنوع مباحث علمی و ضرورت گسترش فضاها و مراکز آموزشی، تأسیس مراکز جدیدی به نام «مدرسه» در دستور کار زمامداران و رجال دوستدار علم و فرهنگ قرار گرفت و زمینه پیدایش مدارس و تعلیمات عمومی فراهم آمد. و در قرن پنجم، به ویژه دوره سلجوقیان به اوج خود

رسید. در این دوره، به دلیل پایمردی و اهتمام تنی چند از امرای دانش‌دوست و وزیران با فرهنگ، به ویژه نظام‌الملک طوسی، تلاش گسترده برای شکل‌گیری مدارس صورت پذیرفت که از آن به عنوان «نهضت تأسیس مدارس دولتی در جهان اسلام» یاد شده است.^{۲۰}

در پرتو چنین جدوجهدی بود که در کنار مدارس خصوصی و مردمی، مدارس دولتی پدید آمد و به مدل و الگویی برای تأسیس مدارس در قلمرو سلسله‌های اسلامی و دیگر بلاد، مدل گردید. مدرسی که به دلیل اهتمام بانی و مؤسس آن نظام‌الملک طوسی، به «مدارس نظامیه» اشتهار یافت.^{۲۱}

مدارس به‌وجودآمده در قلمرو سلجوقیان را، با توجه به انگیزه و اهداف بانیان و واقفان، کارکردها و نحوه اداره آنها، می‌توان به دو گروه مدارس خصوصی و مردمی و مدارس دولتی تقسیم نمود:

۳-۱- مدارس خصوصی و مردمی

به آن دسته از مدرسی اطلاق می‌شود که قبل از نظامیه‌ها از سوی حکمرانان، وزیران و عالمان دینی در سرزمین‌های اسلامی تأسیس یافته بود و به عنوان جریانی مستمر، حتی پس از نظامیه‌ها با فرازونشیب به حیات خود ادامه داد.

این مدارس مقطعی و موضعی بوده و با پشتوانه مالی اشخاص و بانیان آنها و اهدافی خاص پای به عرصه وجود می‌نهاد. زین سبب به مدارس «خصوصی و مردمی» معروف شده-اند.^{۲۲} که خاستگاه پیدایش چنین مدرسی را باید در شهر کهنسال و دانش‌پرور نیشابور جستجو نمود، چرا که دوستداران علم و حکمت در این دیار به گسترش مدارس خصوصی اهتمام ویژه‌ای نموده و گوی سبقت را بر دیگران ربودند.^{۲۳} چنانکه در اوایل قرن پنجم هجری، ابوالقاسم عمرو، یکی از مشاهیر بیهق، چهار مدرسه بزرگ برای طایفه کرامی، شیعی، حنفی و شافعی در نیشابور بنیان نهاد، تا هر یک از مکاتب و فرق اسلامی در رشته مطلوب خود، اطلاعات لازم را فرا گیرند.^{۲۴} از دیگر مدارس خصوصی این عصر، می‌توان به مدرسه امام ابوالقاسم قشیری در سال ۴۳۷ هـ ق، در نیشابور، مدرسه خواجه‌امیرک از بزرگان قرن چهارم در سبزوار، مدرسه ابوالفضل‌بن‌احمد اسفراینی در بلخ و اشاره نمود.^{۲۵}

۳-۲- مدارس دولتی

دسته دیگر، مدارس است که اندیشه شکل‌گیری آنها به وزیر قدرتمند و با تدبیر روزگار سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک طوسی بازمی‌گردد که با جلب موافقت سلاطین سلجوقی و تبیین ضرورت این مراکز برای تحقق اهداف و مقاصد دولت، امکان احداث و بسط و گسترش چنین مدرسی را در قلمرو وسیع سلجوقیان و سرزمین‌های شرقی خلافت عباسیان، به صورتی فراگیر فراهم آورد و از آن تاریخ تا شکل‌گیری نظام‌های حکومتی مشروطه یا جمهوری، جز موارد اندک و استثنایی، در جهان اسلام نمونه‌ای از آن تکرار نشد. بر این اساس می‌توان از مدارس نظامیه به عنوان نخستین مدارس دولتی در ایران و اسلام یاد نمود.^{۲۶} از نوشته طروشانی چنین برمی‌آید که بین مراکز علمی و مدرسی که به دستور خواجه تأسیس گردید، تفاوتی وجود داشته است. چنانکه گوید: «خواجه دارالعلم‌ها برای فقها و مدارس برای علما و رباطات برای زهاد ساخته است.»^{۲۷}

- نحوه تأسیس و مراحل شکل‌گیری

طرح تأسیس این مدارس را خواجه در نخستین سالهای وزارت خود در دوران پادشاهی آلپارسلان (۴۵-۴۶۵ هـ ق) به مورد اجرا درآورد. حافظ‌ابرو، مؤلف زبده التواریخ در این باره می‌نویسد:

«روزی سلطان آلپارسلان به نیشابور درآمد. جمعی از فقها بر در مسجد ایستاده بودند، سلطان فرمود که اینها چه کسانی هستند؟ نظام‌الملک گفت اینها علمانند و ایشان بهترین آدمیانند از بهر آنکه ترک لذات دنیای فانی کرده‌اند و روی به کسب فضائل و کمال نفس آورده‌اند. خاطر سلطان مایل عاطفت و عنایت ایشان شد. نظام-الملک عرضه داشت که اگر اجازت بود در هر شهری موضعی بنا نهاد که آن جماعت در آنجا نشینند و از برای ایشان وظیفه مقرر کنند تا آنان به فراغت به تحصیل مشغول شوند و دعای دوام سلطان گویند. سلطان اجازه فرمود و نظام‌الملک به اطراف نوشت به بنیاد مدارس و چنین گویند که هفتاد مدرسه در آن سال از مال سلطان ساختند. و او اول کسی است که سنت حسنه نهاده است.»^{۲۸}

- مدرسه نظامیه بغداد

بغداد در دوران خلافت هارون‌الرشید (۱۷-۱۹۸ هـ ق) و مامون (۱۹۸-۲۱۸ هـ ق) از نظر علمی و اجتماعی به اوج و اعتلای خود رسید و در پرتو شکل‌گیری نهضت ترجمه و مراکز علمی نظیر بیت‌الحکمه، این شهر به مجمع دانشمندان و مکانی برای تبادل آراء و اندیشه‌ها مبدل گردید. این ارج و عظمت بار دیگر در عهد سلجوقیان و به دوران سلطنت ملکشاه و وزیر با تدبیرش خواجه نظام‌الملک طوسی به لحاظ فرهنگی و سیاسی رقم خورد و با شکل‌گیری مدرسه نظامیه به عنوان بزرگترین دارالعلم اسلامی در بغداد، قلمرو نگاه بسیاری از دستداران علم و دانش بویژه علوم دینی، به بغداد و نظامیه‌اش معطوف گشت و مرکز خلافت عباسی «به یکی از مراکز مهم سیاسی و علمی و ادبی دنیای اسلام» مبدل گردید.^{۲۹}

آغاز بنای نظامیه ذی‌الحجه سال ۴۵۷ هـ ق بود و پس از دوسال، عمارت مدرسه به پایان رسید و روز شنبه ذی‌العقده ۴۵۹ هـ ق، رسماً افتتاح شد.^{۳۰} خواجه کوشید تا با صرف مبالغ زیاد در بنای این مدرسه و انتخاب استادان دانشمند و بنام و تعیین راتبه و مستمری برای مدرسان و دیگر برنامه‌های ابداعی، نظامیه بغداد را به عنوان یکی از بزرگترین پایگاه‌های مذهبی و تبلیغی شرق اسلام درآورد.^{۳۱} دیری نپائید که در قلمرو سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز مدارسی مشابه نظامیه بغداد، اما با مقیاسی متفاوت، احداث گردید. به نوشته مؤلف تجارب‌السلف «خواجه در اقطار عالم از بغداد و بصره و اصفهان و هرات و اقصای بلاد روم مدرسه ساخت.^{۳۲}» رشد و فراگیری نهضت تأسیس این مراکز علمی به حدی بود که به گفته بُسکی:

«... در تمام شهرها و دهکده‌های خراسان و عراق محلی یافت نمی‌شد که خواجه در

آن مدرسه‌ای نساخته باشد.^{۳۳}»

عمادالدین اصفهانی نیز با تأکید بر این امر می‌گوید:

«در هر شهری که نظام‌الملک مردی دانشمند می‌یافت، بی‌درنگ مدرسه‌ای برای او

می‌ساخت تا در آنجا به تدریس پردازد و درآمدی از وقف بدان اختصاص می‌داد

و آن را به کتابخانه‌ای می‌آراست.^{۳۴}»

از این سخن چنین بر می‌آید که وجود عالمان و استادان توانمند، شرط لازم احداث چنین مراکزی بوده و پس از تأسیس، تأمین منابع مالی و پژوهشی طالبان علم در دستور کار بنیان و زمامداران قرار داشته است.

نظامیه بغداد سازمان آموزشی و اداری منظمی داشته است^{۳۵} و مدرسان برای منصب تدریس بر مبنای ضوابط و قیود خاصی برگزیده می‌شدند.^{۳۶} که در نوع خود عملی ابتکاری بوده و پیش از آن متداول نبوده است. با عنایت به شروط علمی، اخلاقی و مذهبی، احراز این مسئولیت افتخارآفرین برای همگان میسر و مقدور نبود، بلکه بیشتر افرادی راه می‌یافتند که علاوه بر شرط مذهبی از مرتبه علمی و معنوی بیشتری در مقایسه با دیگران برخوردار باشند. بدین سبب عالمان بزرگی نظیر ابواسحاق شیرازی، امام محمد غزالی، بر این مسند جای می‌گیرند.

شهرت عالمگیر نظامیه بغداد و مزایای مادی و معنوی مدرسان این مدرسه سبب شد تا احراز منصب تدریس در این مرکز علمی، به آرزو و آرمان بسیاری از رجال علمی مبدل گردد. به گونه‌ای که برخی از افراد «برای دستیابی به این موقعیت به شیوه‌های غیراخلاقی نظیر ارتشاء مبادرت می‌نمودند.»^{۳۷}

– مدرسه نظامیه نیشابور

شهر کهنسال نیشابور، زادگاه نخستین مدارس اسلامی و مجمع دانشمندان و فقها و ادبا و محدثان بسیار، به حدی از رونق و اعتبار علمی و ادبی برخوردار بوده که در تاریخ علوم و معارف اسلامی، به عنوان «دارالعلم» شهرت یافته است.^{۳۸} توجه خاص نظام‌الملک و پادشاه بزرگ سلجوقی به نیشابور موجب گردید که این شهر استعداد طبیعی خود را در زمینه خدمت به فرهنگ و ادب پارسی و تازی و جلب دانشمندان و تأسیس و گسترش مدارس علمی و پرورش دانشمندان و ادبا، بیش از پیش متجلی سازد.^{۳۹} نوابغ عالیقدری نظیر: امام موفق نیشابوری، حکیم عمرخیام، امام‌الحرمین جوینی، امام محمد غزالی و شیخ عطار از جمله بزرگانی بودند که در دامان این شهر پرورش یافتند.^{۴۰}

خواجه نظام‌الملک علاوه بر تأسیس نظامیه، بیمارستان بزرگی نیز در نیشابور بنا کرد و تأسیس رصدخانه ملکشاهی نیز بر شهرت علمی این شهر افزود.^{۴۱} این نظامیه، مدرسان و

دانش‌آموختگان برجسته‌ای داشته است که از آن میان می‌توان به امام‌الحرمین جوینی (م ۴۷۸ هـ ق)، ابوالقاسم جرجانی (م ۴۷۷ هـ ق)، امام محمد غزالی اشاره کرد.^{۴۲}

- نظامیه مرو

شهر تاریخی مرو در تاریخ علوم و فرهنگ اسلامی از مقام و منزلتی والا برخوردار است. خدمات ارزشمندی که این شهر در طی قرون متمادی (تا قرن هشتم هجری) به فرهنگ و ادب پارسی و تازی نموده است، نام «مرو» را به عنوان یکی از مراکز پررونق علوم و معارف اسلامی جاودانه ساخت. عصر زرینی که دنیای اسلام به آن می‌بالد، در حقیقت از پرتو وجود دانشمندانی درخشید که از خراسان به ویژه شهر مرو، همراه مامون به بغداد رفتند و با تألیف و ترجمه و تصنیف آثار ارزنده، فرهنگ نوخاسته اسلامی را مایه‌دار ساختند.^{۴۳} این شهر در عصر سلجوقی، به‌ویژه دوره فرمانروایی سلطان سنجر، به یکی از مراکز مهم علوم و معارف اسلامی و مرکز فرمانروایی قسمت عمده شرق اسلامی مبدل گردید.^{۴۴} وجود مدرسه نظامیه، مجامع علمی و کتابخانه‌های مهم در مرو، گویای عشق و علاقه وافر مردم آن سامان به علم و ادب بوده است. تصویری که یاقوت حموی مورخ و جغرافیدان مشهور اسلامی از گنجینه‌های نفیس علمی این شهر و خدمات کتابخانه غنی نظامیه مرو ارائه می‌دهد نیز گویای همین واقعیت است. وی می‌نویسد:

«... در سال ۶۱۶ هـ ق شهر مرو را ترک گفتم در آن هنگام این شهر از مهمترین شرایط علمی و اجتماعی برخوردار بود و من سه‌سال در آن شهر اقامت داشتم... در این شهر ۱۰ گنجینه از کتب موقوفه بود که از جهت کثرت و نیکویی نظیر آن را در دنیا نیافتم.»^{۴۵}

نظامیه مرو از وجود بزرگان، مدرسان و دانش‌آموختگان فراوانی برخوردار بوده است از جمله: ابوبکر سمعانی (م ۵۱۰ هـ ق) از فقها و محدثان بزرگ مذهب شافعی، ابوالقاسم سمعانی (م ۵۳۴ هـ ق) و ابوسعید عبدالکریم بن ابی‌بکر محمد بن عبدالجبار سمعانی مروزی.^{۴۶}

- نظامیه هرات

شهر هرات در دروه اسلامی، به ویژه در دوره سلجوقیان از رونق علمی خوبی برخوردار بوده است و همین عظمت و منزلت، خواجه را بر آن داشت که یکی از مدارس بزرگ نظامیه را در این شهر بنا کند. این نظامیه نیز مدرسان و دانش آموختگان زیادی داشته است که از آن میان می‌توان به «نورالدین عبدالرحمن جامی» بزرگترین شاعر و نویسنده عارف قرن نهم، اشاره کرد.^{۴۷}

- تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مدارس نظامیه:

شکل‌گیری مدارس نظامیه و بسط و گسترش این مراکز، منشاء تحولاتی بزرگی در فرهنگ اسلام گردید و مقدمات رشد و پیشرفت شاخه‌های مختلف علوم، به ویژه علوم دینی را فراهم آورده و با تأسیس این مدارس «حرکت دانشگاه اسلامی به مرحله جدید از تحول و سیر به سوی کمال وارد شد و با اقتباس فکری از خزانه‌الحکمه و دارالعلم در تأسیس کتابخانه در جوار مدارس، این مراکز بر مساجد دانشگاهی» برتری می‌یابد.^{۴۸}

با این وجود در مورد پیامدها و نتایج مثبت و منفی پیدایش این مدارس با عنایت به انگیزه‌ها و اهداف مؤسس این مراکز، آراء متفاوتی ارائه شده است که به ذکر اجمالی نتایج مثبت و منفی اکتفا می‌گردد.

الف) نتایج و پیامدهای مثبت: پیشرفت دانش‌های مذهبی

۱. برخورداری مدارس نظامیه از استادان بزرگی نظیر ابواسحاق شیرازی، امام‌الحرمین جوینی و امام محمد غزالی و اختصاص این مدارس به پیروان مذهب شافعی، بر پیشرفت دامنه‌ی فقه شافعی افزود و اشتیاق روزافزون علاقمندان به حضور در حلقه درس این استادان، پای پیروان دیگر مذاهب را به این مذهب کشید.^{۴۹} آثار مفیدی که غزالی در علوم دینی و مذهب شافعی از خود بجا گذاشت از مرزهای اسلامی فراتر رفت و در آثار دینی اروپای قرون وسطی نیز اثر بخشید.^{۵۰}

۲. گسترش مدارس در جهان اسلام:

نیمه دوم قرن پنجم هجری، سرآغاز عصری جدید و دورانی شکوفا در تأسیس مدارس اسلامی گردید، به گونه‌ای که در سده های ششم و هفتم هجری در کشورهای اسلامی، کمتر نقطه‌ای یافت می‌شد که از آن مدارس دینی و مراکز علمی خالی باشد. این دوره از حیث کثرت مدارس از مهمترین دوره‌ها در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی بشمار می‌آید.^{۵۱}

۳. تأثیر در دانشگاه‌های کهن غربی:

مدارس نظامیه عموماً و نظامیه بغداد خصوصاً به نظر اکثر مورخان و صاحب‌نظران شرق و غرب، در حکم نخستین مدارس عالیه و دانشگاه‌های اسلامی محسوب می‌شود. این مدارس علاوه بر آنکه در دنیای اسلام موجب تحولی شگرف در زمینه تأسیس و گسترش دامنه فعالیت مراکز علمی گردید، از نظر نظام اداری و آموزشی و تأثیر در برخی از رشته‌های علمی، سرمشقی شد برای دارالعلم‌های قدیم اروپایی.^{۵۲} چنانکه نوشته‌اند: «سالرنو ایتالیا قدیمترین دانشگاه اروپا از مدارس اسلامی تأثیر پذیرفته است.»^{۵۳}

۴. ارتقاء پایگاه علمی و اجتماعی دانشمندان:

۵. تنظیم برنامه‌های آموزشی و توجه به رفاه استاد و دانشجو.^{۵۴}

ب: پیامدهای منفی و نامطلوب

مؤلف کتاب مدارس نظامیه، پیامدها و آثار زیان‌بخش نظامیه‌ها را بر تکیه بر اهداف و تعصب مذهبی خواجه مورد بررسی قرار داده است که از آن میان می‌توان به عدم توجه به برخی از رشته‌های علمی، رکود علم و اندیشه، مبارزه با فلسفه و آزادی افکار، کاهش ارتباط و تبادل فرهنگی با دیگر جوامع، انحصار قلمرو دانش‌پژوهی برای مذهبی خاص و تشدید مجادلات مذهبی اشاره نمود.

۱. کتابخانه‌ها:

با تأسیس مدارس دولتی و مردمی در این دوره و کتابخانه‌های وابسته به آن، شاهد پیوستن کتابخانه‌ها یا مراکز رسمی آموزشی می‌باشیم... در این دوره تأسیس کتابخانه در درون هر مدرسه بزرگ یا کوچک از شمار تشکیلات آموزشی قرار گرفت و هر نهادی ملزم بود که کتابهای مورد نیاز استاد و دانشجو را در اختیار آنان قرار دهد.^{۵۵}

کتابداران این مراکز عمدتاً از رجال بافرهنگ و آشنا با معلومات ادبی و مذهبی بودند و برخی از آنان علاوه بر راهنمایی طالبان علم و محققان، به تدریس برخی از علوم در این مرکز مبادرت می نمودند.^{۵۶}

۱-۴- کتابخانه نظامیه بغداد:

در نظامیه بغداد، دارالکتب (کتابخانه) بزرگ و مجهز به انواع کتابها متناسب با تشکیلات وسیع مدرسه دائر گردید و به دستور بانی و متولی مدرسه، کتابدار یا رئیس کتابخانه به عنوان یکی از ارکان آموزش تعیین گردید.

سرپرستان کتابخانه، خود از ادیبان و دانشمندان بنام و عضو هیأت آموزشی مدرسه بودند.^{۵۷} یکی از آنان، ابویوسف اسفراینی (م ۴۸۸ هـ ق) است که مردی فقیه، سبک‌شناس، ادیب، شاعر و خطاط بود و سمت خازن‌الکتب کتابخانه نظامیه را بر عهده داشته است.^{۵۸} نظام‌الملک علاقه وافری به این کتابخانه داشت و خود مراقبت و نظارت بر کارهای آن همت می‌گماشت.^{۵۹} فهرست این کتابخانه بسیار منظم و دربردارنده نام و عنوان شش‌هزار جلد کتاب بوده است.^{۶۰}

۲-۴- کتابخانه مرو:

در شهر مرو، نخستین پایگاه سلجوقیان در خراسان بزرگ که بیش از نیم قرن مرکز امارت و سلطنت سلطان سنجر سلجوقی بوده است، تا یک‌سال پیش از حمله مغول مرکز بزرگترین و بیشترین کتابخانه‌های دانشگاهی در جهان اسلام آن روز بوده است.^{۶۱} یاقوت حموی ادیب و جغرافیدان نامی اسلامی که تا سال ۶۱۶ هـ ق دوسه‌سالی در مرو می‌زیسته، از بیش از ده کتابخانه بزرگ با کتابهای بسیار در مساجد و مدارس این شهر خبر داده است.^{۶۲} وی گفته:

«من مانند این کتابخانه‌ها را در انبوهی و نیکویی در دنیا ندیدم.... دسترسی به کتابهای این کتابخانه بسیار آسان بود و من همواره دویست مجلد یا بیشتر از این کتابها را بدون گروی در خانه‌ام نگاه می‌داشتم و در آن می‌کاویدم و از دانش‌هایش بهره می‌بردم، انس با این کتابها هر شهر و دیاری را از یاد من می‌برد و فکر زن و فرزند را از خاطر من زدوده بود. بیشترین بهره‌های این کتاب «معجم البلدان» و دیگر کتابها که تألیف کردم حاصل نوشته‌هایی است که از خرمن این گنجینه‌ها چیده‌ام و آرزو می‌کردم تا زنده‌ام در این شهر بمانم.»^{۶۳}

گزارش فوق از نحوه خدمات‌رسانی کتابخانه مرو، پیشینه غنی فکری و علمی مسلمانان را در آن روزگار و فضای مطلوب فرهنگی شهر مرو را به شایستگی، تصویر می‌نماید. از دیگر کتابخانه‌های مشهور این دوره می‌توان به کتابخانه بزرگ و با کتب فراوان نیشابور^{۶۴} و بغداد^{۶۵}، اشاره نمود.

۲. خانه‌های عالمان:

از شواهد و اسناد تاریخی چنین برمی‌آید که منازل بسیاری از مشاهیر و دانشمندان این دوره، مأمّن و مرجع طالبان علم و دانش بوده و در این «مدرّس» مواردی نظیر مباحثه، مناظره، املاء حدیث، آموزش اصول فقه جریان داشته است. در کتاب وصایا منسوب به خواجه نظام-الملک طوسی، از قول وی چنین آمده است:

«امام موفق از کبار علمای خراسان و معزز و متبرک و سن او از هشتادوپنج گذشته بود و هر که نزد او به قرائت قرآن و حدیث قیام می‌نمود، البته به دولت اقبال می‌رسید. پدرم مرا از طوس به نیشابور فرستاد و در مجلس درس آن بزرگوار به استفاده و تعلیم مشغول گشتم و او را با من نظر شفقت و عنایتی بود و چهارسال ملازم مجلس او بودم...»^{۶۶}

در برخی از خانه‌ها، جریان آموزش به امری مستمر تبدیل شده بود و با رحلت استاد، شاگردان و به ویژه فرزندان وی این رسالت را بر دوش می‌کشیدند، چنانکه امام‌الحرمین جوینی پس از پدر این وظیفه را عهده‌دار گشت.^{۶۷} برخی از این منازل بدلیل حضور چهره‌های علمی برجسته، از منزلت و اقبال بیشتری برخوردار بودند که از آن میان می‌توان به خانه امام محمد غزالی (م ۵۱۶ هـ. ق) اشاره نمود. وی پس از کناره‌گیری از کار در نظامیه نیشابور، دانشجویان خود را در خانه به حضور می‌پذیرفت و چهره‌های علمی فراوانی برای بهره‌مندی از محضر استاد، بدین مکان روی می‌آوردند.^{۶۸}

۳. بیمارستانها:

مراکز درمانی و بیمارستانها را می‌توان در زمره یکی دیگر از نهادهای علمی و آموزشی این عصر به شمار آورد. زیرا در این مراکز علاوه بر خدمات درمانی، به عنوان یک مأموریت و وظیفه ذاتی، آموزش‌های پزشکی و درمانی نیز در سطوح مختلف جریان داشته است. از جمله بیمارستان عضدی بغداد که از آن به عنوان «بزرگترین نهاد آموزشی و درمانی عصر آل‌بویه و

سلجوقیان یاد شده و در دوره ملکشاه بدلیل حمایت‌ها و تأمین منابع مورد نیاز، رونق ویژه‌ای می‌یابد.^{۶۹}»

جریان آموزش پزشکی به بیمارستان‌ها محدود نبود بلکه منازل برخی از پزشکان و حکیمان^{۷۰}، بازار عطاران و دکه‌های درمانی از جمله در نیشابور نیز در این امر سهیم بودند.^{۷۱} شماری از پزشکان و استادان پای را از مرحله آموزش فراتر نهاده و به ترجمه و تألیف کتب پزشکی مبادرت نمودند. از جمله: ابوالحسن سعیدبن بقیه‌الله بن حسن (م ۴۹۵ هـ ق) از دانش-آموختگان و مدرسان بیمارستان عضدی، کتب ارزشمندی را در دانش پزشکی و شیوه‌های درمانی تألیف نمود.^{۷۲} ابوالفرج بن الطیب (م ۴۳۵ هـ ق) علاوه بر آثار ارسطو، کتاب‌های جالینوس در طب را شرح نمود^{۷۳} و حکیم سیداسماعیل جرجانی پزشک نامدار ایرانی، نخستین راهنمای شیوه درمانی را به زبان فارسی به رشته تحریر درآورد که در نوع خود، از جمله پیشرفت‌های علمی ارزشمند این دوره محسوب می‌شود.^{۷۴}

نمایندگان و چهره‌های برجسته فرهنگی

از آنجا که بسیاری از مدرسان و استادان مراکز علمی این دوره، به ویژه نظامیه‌ها، علاوه بر منصب تدریس، از درجه و توان علمی بالایی برخوردار بوده و هر یک با تألیف و خلق آثار متعدد، نقش بسزایی را در تحولات فکری و فرهنگی این دوره - عصر سلجوقیان - ایفا نموده‌اند، از آنان با عنوان «نمایندگان فرهنگی» این دوره یاد شده است و این برجستگی و منزلت در فرامین صادره از ناحیه زمامداران سلجوقی، خلفای عباسی و رجال سیاسی و اجتماعی این دوره کاملاً مشهود است.^{۷۵} در بخشی از فرمان تدریس نظامیه مرو به نام «ابوسعید عبدالکریم سمعانی م ۵۶۲ هـ ق» که به انشای مویدالملک منتجب‌الدین بدیع اتابک، رئیس دیوان رسائل سلطان سنجر به رشته تحریر درآمده، چنین آمده است:

«... و چون خاندان سمعانی در خراسان منبع و منشاء علوم دینی و مهبط و مغرس کرامت و فضل یزدان است و همواره صدر و مسند علم و تقوی به عالمی متبحر و صاحب ریاستی از آن خاندان به انواع آداب و علوم از اقران و اکفا متفرد و آراسته بوده است و اجل امام زاهد ابوسعید عبدالکریم سمعانی که واسطه عقد آن خاندان است و انوار و آثار آداب و علوم او در اقطار آفاق ساطع و منتشر... تدریس و تزکیه

در مدارس، خصوصاً مدرسه نظامیه و مشاهد خیر و مسجد جامع ... به دست شهامت و کمال فضل علم و تدین او دادیم...^{۷۶}»

از آنجا که معرفی همه چهره‌های فرهنگی و مدرسان برجسته نهادهای آموزشی مورد نظر در این مقال نمی‌گنجد، به ذکر تنی چند از آن میان، آن هم بر سبیل اختصار، بسنده می‌گردد.

۱. خواجه نظام‌الملک طوسی (م ۴۸۵ هـ ق)

خواجه نظام‌الملک به جهت حدت ذهن و هوش سرشار، در فراگیری علوم و معارف دینی رشد چشمگیری داشت. از ملازمت و حضور در نزد علما و فقها بهره وافری برد، در علوم و فنون متبحر گشت.^{۷۷} چندانکه می‌گفتند: «... در آن زمان در صناعت حساب و نویسندگی به زبان عربی و فارسی برتر از همگان بود.»^{۷۸} منزلت علمی و فرهنگی او به مرحله ای می‌رسد که سبکی، سیره‌نویس شافعی هم مسلک او می‌نویسد: «اگر او نبود، ترس آن می‌رفت که معالم علم کهنه و مندرس گردد.»^{۷۹}

حسن‌تدبیر و لیاقت خواجه، اسباب رشد و ارتقاء او را از مرتبه دبیری به منصب وزارت فراهم آورد و به فردی تأثیرگذار در قلمرو سیاسی و اجتماعی و تحولات علمی و فرهنگی روزگار سلجوقیان مبدل گردید. نقش فرهنگی او به ویژه در عرصه آموزش و شکل‌گیری مراکز آموزشی به حدی است که برخی از صاحب‌نظران، تاریخ آموزش و پرورش را به دو دوره تقسیم نموده‌اند، عصر اول از نیمه قرن سوم تا صدارت خواجه نظام‌الملک (۴۵۵-۲۵۰ هـ ق)، و عصر دوم از صدارت خواجه تا تسخیر بغداد به دست هولاکوخان مغول (۶۵۶ - ۴۵۵ هـ ق) و برافتادن خلافت عباسی و ازبین‌رفتن مرکزیت دینی و فرهنگی عالم اسلام^{۸۰} و برخی پای را از این مرحله هم فراتر نهاده و به دلیل تأثیرگذاری اندیشه و اقدامات خواجه در ابعاد مختلف، عصر سلجوقی را، عصر خواجه نظام‌الملک نام نهاده‌اند.^{۸۱} علاوه بر ایفای نقش‌های مذکور، آثار بجای‌مانده از خواجه، به ویژه «سیاست‌نامه» از جمله آثار ارزشمند ادبی قرن پنجم هجری است که بدلیل اهتمام وی به طرح آداب و آیین کشورداری و تجارب گرانسنگ برای زمامداران، در زمره یکی از منابع مهم و معتبر در معرفی سازمان اداری و شروط احراز مناسب دولتی در عصر سلجوقیان، محسوب می‌شود. در بخشی از این کتاب، پس از بیان مقصد تألیف و چرایی آن چنین آمده است:

«... این کتاب هم پند است و هم حکمت و مثل و تفسیر قرآن و اخبار پیغمبر علیه-السلام و قصص انبیاء علیهم‌السلام و سیر و حکایات پادشاه عادل و از گذشتگان خیر است و از بازماندگان سمر است...»^{۸۲}

۲. امام محمد غزالی (م ۵۰۵ هـ ق ۱۱۱/ م)

غزالی را با توجه به سوابق علمی، نبوغ و استعداد، حضور فعال و موثر در گسترش علوم دینی و کثرت تألیف، می‌توان یکی از ستارگان درخشان فرهنگ و تمدن اسلامی در قرن پنجم و ششم هجری بشمار آورد. وی «مدتی در نیشابور از محضر امام‌الحرمین جوینی (م ۴۷۸ هـ ق) استفاده نمود، فنون جدل و خلاف و کلام و مقدماتی از فلسفه را بیاموخت و هنوز به بیست‌سالگی نرسیده بود که در ادب و فقه و اصول و حدیث و کلام، استاد مسلم شد و بعد از فوت استاد، به خدمت نظام‌الملک طوسی پیوست و به تدریس در نظامیه بغداد همت گمارد و چندی بعد به درخواست سلطان سنجر به تدریس در نظامیه نیشابور مبادرت نمود و در همین شهر، کتاب «المنقذ من الضلال» را به رشته تحریر درآورد.^{۸۳}

در عرصه تألیف، آثار متعددی را به وی نسبت داده‌اند، حدود دویست اثر^{۸۴} از جمله: نصیحه‌الملوک که در اخلاق و تربیت ملوک و فرمانروایان که به درخواست سلطان سنجر نوشته شد و بالاخره «احیاء العلوم» که یکی از مراجع گرانبهای فرهنگ اسلامی و برجسته‌ترین کتاب اخلاق اسلامی است.^{۸۵}

۳. امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی (م ۴۷۸ هـ ق / ۱۰۸۵ م)

وی از بزرگترین ائمه شافعیه خراسان و نخستین استاد نظامیه نیشابور بوده است. بسیاری از فقها و دانشمندان نامی قرن پنجم و ششم هجری از جمله امام محمد غزالی و کیا هراسی.... افتخار شاگردی او را داشته‌اند. آوازه علمی و روحانی او از بلاد خراسان گذشت و عراق و شام و حجاز را فرا گرفت و علاقمندان به دانش از اطراف و اکناف عالم اسلام به خدمت او می‌شتافتند. همواره قریب چهارصد تن از طلاب و فقها در حلقه درس او حضور داشتند.^{۸۶} وی از سال ۴۵۶ تا سال ۴۷۸ هـ ق، عهده‌دار تدریس و خطابه در مدرسه نیشابور بود و در همین دوران کتب و تألیفات متعددی مورد استفاده طلاب قرار می‌گرفت، که مهم‌ترین اثر وی «نهایه‌المطلب فی درایه‌المذهب» قلمداد می‌گردد.^{۸۷} محبوبیت و منزلت او بقدری بوده است که در عزایش شورشی عجیب برپا شد، منبرش را شکستند و بازارها را بستند و تا یکماه کسی

عمامه بر سر نگذاشت و شاگردان وفادارش قلم و دوات بشکستند.^{۸۸} از دیگر چهره‌های برجسته این دوره می‌توان به ابوسعید محی‌الدین یحیی نیشابوری (م ۵۴۸ هـ ق) و ابوالفتح احمدین محمد، برادر غزالی اشاره نمود.



منابع و مأخذ:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد: الكامل التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ هـ / ۱۹۶۷ م.
- ۲- ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد: و فیات الاعیان و ابناء الزمان، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۲۰۰۹ م / ۱۴۳۰ هـ.
- ۳- اقبال، عباسی: وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، بکوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران، اهل قلم، ۱۳۲۸.
- ۴- حموی، یاقوت: معجم البلدان، بیروت، طبعه الصادر، ۱۳۷۴ هـ / ۱۹۵۵ م.
- ۵- راوندی، محمد بن علی: راحه الصدوری و آیه السرور، به اهتمام محمد اقبال، لیدن، ۱۹۲۱ م.
- ۶- اهل قلم، ۱۳۸۲: ترجمه نادره جلالی، چ ۲، تهران،
- ۷- راوندی، مرتضی: سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین: کارنامه اسلام، چ ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۹- سبکی، تاج الدین ابونصر: طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق عبدالفتاح محمدالحلو، محمود محمد الطناجی، دمشق، طبعه الحلبی، ۱۳۸۳ هـ / ۱۹۶۴ م.
- ۱۰- ثلبی، احمد: تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، دفتر فرهنگ و نشر اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۱۱- صدیق، عیسی: تاریخ فرهنگ ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.
- ۱۲- صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ابن سینا، ۱۳۷۴.
- ۱۳- عیسی بک، احمد: تاریخ بیمارستانها در اسلام، ترجمه نورالله کسای، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۱۴- غنیمه، عبدالرحیم: تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، چ ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

- ۱۵- مشکوتی ، تصرفت الله : از سلاجقه تا صفویه ، تهران ، ابن سینا ، ۱۳۴۳ .
- ۱۶- کسایبی نورالله : فرهنگ نهادهای آموزشی ایران ، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۸۳ .
- ۱۷- نصر ، سیدحسین : علم و تمدن در اسلام ، ترجمه احمد آرام ، تهران ، خوارزمی ، ۱۳۷۱ .
- ۱۸- نظام الملک طوسی : سیر الملوک (سیاست نامه) ، به اهتمام هیوبرت دارک ، تهران ، علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۸ .
- ۱۹- همایی ، جلال الدین : غزالی نامه ، تهران ، فروغی ، ۱۳۴۲ .
- ۲۰- هندوشاه نخجوانی : تجارب السلف ، تصحیح عباس اقبال ، ج ۲ ، تهران ، طهوری ، ۱۳۴۴ .
- ۲۱- یوسف العث : کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی ، ترجمه دکتر اسدالله آزاد ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۲ .



یادداشت‌ها:

- ^۱ ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳۵.
- ^۲ فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، دکتر نورالله کسائی، ص ۳۷۲.
- ^۳ اقبال، عباس، وزارت در عهد سلاطین سلجوقی، ص ۴۲، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۳۷۲.
- ^۴ فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۳۷۴.
- ^۵ همان، ۳۷۵.
- ^۶ وزارت در عهد سلاطین سلجوقی، ص ۱۴۶.
- ^۷ وفيات الاعیان، ابن خلکان، ج ۴، ص ۳۷۵.
- ^۸ همان.
- ^۹ راوندی، مرتضی، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۶۶.
- ^{۱۰} همائی، جلال‌الدین، غزالی نامه، ص ۱۹۲.
- ^{۱۱} سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۴۳.
- ^{۱۲} راوندی، محمد علی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور، ص ۶۶.
- ^{۱۳} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۱۸.
- ^{۱۴} سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۳۸.
- ^{۱۵} ضوابطی، مهدی، پژوهشی در نظام طلبگی، ص ۸۸.
- ^{۱۶} همان.
- ^{۱۷} صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۱۹۵.
- ^{۱۸} صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران، ص ۳۶۲-۳۶۵.
- ^{۱۹} همان.
- ^{۲۰} کسائی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۱۴.
- ^{۲۱} نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، ص ۶۳، مدارس نظامیه، ص ۱۴، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۱۱۸-۱۱۹.
- ^{۲۲} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۱۷.
- ^{۲۳} غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۱۲-۱۱۱.
- ^{۲۴} سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۸.

- ۲۵ فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۱۷، مدارس نظامیه، ص ۶۹، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۱۱۳.
- ۲۶ مدارس نظامیه، ص ۶۹.
- ۲۷ همان.
- ۲۸ همان، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۴۹.
- ۲۹ مدارس نظامیه، ص ۱۱۲، غزالی‌نامه، ص ۱۴۳.
- ۳۰ غزالی‌نامه، ص ۱۴۳، مدارس نظامیه، ص ۱۱۱.
- ۳۱ مدارس نظامیه، ص ۱۱۱.
- ۳۲ نخجوانی، هندوشاه، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، ص ۲۶۹.
- ۳۳ سبکی، تاج‌الدین ابونصر، طبقات الشافعیه الکبری، ج ۳، ص ۳۱۳، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۰۱.
- ۳۴ شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه: محمد حسین ساکت، ص ۱۰۱.
- ۳۵ مدارس نظامیه، ص ۱۲۵-۱۲۱.
- ۳۶ همان.
- ۳۷ همان، ۱۳۷-۱۳۹.
- ۳۸ همان، ص ۸۳.
- ۳۹ همان.
- ۴۰ همان.
- ۴۱ همان.
- ۴۲ همان، ص ۹۱-۱۰۶.
- ۴۳ همان، ص ۲۴۱.
- ۴۴ همان.
- ۴۵ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۱۴.
- ۴۶ مدارس نظامیه، ص ۲۴۴-۲۴۱.
- ۴۷ همان، ص ۲۴۸.
- ۴۸ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی ص ۱۱۲.
- ۴۹ مدارس نظامیه، ص ۲۷۰، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۶۷.
- ۵۰ مدارس نظامیه، ص ۲۷۰.
- ۵۱ همان
- ۵۲ همان، ص ۲۷۴، کارنامه اسلام، ص ۴۵، غزالی‌نامه، ص ۱۴۳، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۷۷.



- ^{۵۳} زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ص ۴۵.
- ^{۵۴} مدارس نظامیه، ص ۲۷۸، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۸۳-۴۸۱.
- ^{۵۵} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۷۰.
- ^{۵۶} یوسف العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ترجمه: دکتر اسدالله علوی، ص ۳۴۹-۳۵۰.
- ^{۵۷} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۷۰.
- ^{۵۸} کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی....، ص ۱۸۵.
- ^{۵۹} همان.
- ^{۶۰} تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۳۲.
- ^{۶۱} فرهنگ نهادهای آموزشی ..، ص ۴۷۱.
- ^{۶۲} همان.
- ^{۶۳} همان.
- ^{۶۴} وفيات الاعیان، ج ۶، ص ۱۳۹.
- ^{۶۵} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۷۱.
- ^{۶۶} کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۲۰۴.
- ^{۶۷} مدارس نظامیه، ص ۵۷.
- ^{۶۸} همان، ص ۹۳.
- ^{۶۹} عیسی بک، احمد، تاریخ بیمارستانها در اسلام، ترجمه: نورالله کسائی، ص ۱۲۲، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۶۰.
- ^{۷۰} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۶۱.
- ^{۷۱} همان.
- ^{۷۲} همان.
- ^{۷۳} تاریخ بیمارستانها در اسلام، ص ۱۲۲، تاریخ دانشگاههای بزرگ، ص ۱۷۱.
- ^{۷۴} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۶۲.
- ^{۷۵} نک: مدارس نظامیه، ص ۲۶۸-۲۵۳.
- ^{۷۶} همان، ص ۲۶۵.
- ^{۷۷} طبقات الشافعیه، ج ۴، ص ۳۱۳، مدارس نظامیه، ص ۵۸، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۲۳.
- ^{۷۸} فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۲۴.
- ^{۷۹} همان، ص ۴۲۳.

^{۸۰} تاریخ فرهنگ ایران، ص ۱۲۱.

^{۸۱} همان، ص ۱۳۸.

^{۸۲} طوسی، ابوعلی حسن (نظام الملک)، سیرالملوک (سیاست‌نامه)، ص ۲۱، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۲۵.

^{۸۳} تاریخ فرهنگ ایران، ص ۱۴۳-۱۴۱، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت، ص ۴۶-۴۵.

^{۸۴} همان.

^{۸۵} علم و تمدن در اسلام، ص ۴۷-۴۶، تاریخ فرهنگ ایران، ص ۱۴۴-۱۴۳، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت، ص ۱۴۹.

^{۸۶} مدارس نظامیه، ص ۹۳.

^{۸۷} همان.

^{۸۸} وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۸۱-۸۰، طبقات، ج ۵، ص ۱۷۱، الکامل، ج ۸، ص ۹۷.

